

بانکها دلار را با ضرر خواهند فروخت؟

و دایره واردات هم محدود شده است، در نتیجه کمتر کالائی از خارج به ایران حمل می‌شود. در حال حاضر تعدادی کامیون ایرانی در آلمان و در دیگر نقاط اروپا منتظر هستند تا بار به مقصد ایران فراهم شود تا آن را حمل کنند، بدین جهت هزینه حمل بار افزایش یافته است، اگر مثلاً قبلاً کرایه حمل باری از اینجا به اروپا ۲۵۰ هزار تومان بود در حال حاضر به بیش از ۵۰۰ هزار تومان رسیده است.

به عقیده من این نظریه هم که صادرکننده مجاز به واردات باشد، با توجه به اینکه اغلب صادرکنندگان در زمینه واردات تخصصی ندارند و نمی‌دانند به کدام کشور بروند و چه کالائی را از کجا و با چه قیمتی بخرند، در این میان معاملات صوری آغاز می‌شود، بدین ترتیب که واردکننده و

صادرکننده با توافق شروع به واردات و صادرات می‌کنند که این کار مشکلاتی را بوجود می‌آورد، از همه مهمتر پرداخت میزان مالیاتی است که برای ورود کالا به جنس وارداتی تعلق می‌گیرد، چون این مالیات هنگام ورود کالا به کشور محاسبه نمی‌شود بلکه حدود دو سال بعد در حسابرسی مأمورین مالیاتی تعیین و اخذ می‌شود. در نتیجه سردرگمی، اختلاف، و آشفتگی در کار بازار صادرات و واردات بوجود می‌آید که این امر در نهایت هم به ضرر مصرف‌کننده و هم به ضرر واردکننده و صادرکننده و دولت خواهد بود.

نظر یک تولیدکننده

فرج‌اله خسروی رئیس هیئت‌مدیره شرکت یزدگل می‌گوید: یکی از عمده‌ترین گرفتارهای ما تغییر و تحول مداومی است که در قوانین و مقررات جاری مملکت، بویژه در مقرراتی که با پول و سرمایه‌گذاری و نقدینگی سروکار دارد، ایجاد می‌شود. همین تغییرات مردم و جامعه صنعتی و تولیدکننده را در کویر بلاتکلیفی، سردرگم می‌سازد و هیچ‌کس نمی‌داند چه باید بکند و چه راهی را برگزیند تا بعداً برایش پشیمانی و

شکست به ارمغان نیاورد. این در حالی است که بخش خصوصی به یک برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز دارد. کاری که بخش خصوصی و مدیر صنعت می‌کند، شباهتی به کار یک دکان بقالی و خرازی ندارد. سرمایه‌گذار صنعتی باید چند سال خون دل بخورد و کار و تلاش کند تا بتواند کارخانه‌اش را به راه اندازد. کارخانه‌ای که معلوم نیست کجا و در چه تاریخی به سوددهی خواهد رسید.

ما، مدتها قبل لوازم و قطعات مورد نیاز صنعت خودمان را خریده‌ایم و همین حالا، توی راه است ولی ناگهان یک روز صبح که از خواب بیدار شدیم دیدیم که مقررات تغییر کرده است.

ناچار دستورات جدید را رعایت کردیم، بیست درصد سپرده را دادیم. تمام پول را هم نقد به سیستم بانکی پرداخت کردیم ولی آنها هنوز به فروشندگان نپرداخته‌اند. در صورتی که بارها اعلام کرده‌اند که با دولت‌ها و کمپانی‌های خارجی برای پرداخت بدهی‌های خودشان به توافق رسیده‌اند. بنابراین نمی‌دانم آیا به این زودی موفق به دریافت و ترخیص کالاهای وارداتی خودمان خواهیم شد یا نه؟ از طرفی، چنین برمی‌آید که

واحدهای تولیدی از این پس برای تأمین مواد اولیه و لوازم یدکی خود باید متکی بر درآمدهای صادراتی خود باشند. و این در حالی است که ما در مورد صادرات، تجربه کافی نداریم. ورود به بازارهای دنیا سرمایه و تجربه بالائی می‌خواهد. از سوی دیگر این را بدانیم که صادرات غیرنفتی به اندازه‌ای نیست که جوابگوی نیازهای ارزی ما باشد، جامعه ما، جامعه‌ای مصرف‌کننده است و تا روزی که جامعه ما به کالاهای صنعتی یا مصرفی، مثل پارچه و ملایم و سیب‌زمینی و پیاز احتیاج دارد، نمی‌توانیم آنها را صادر کنیم، مگر مازاد تولید داشته باشیم. البته تردید نیست که امکانات بالقوه‌ای برای صادرات داریم اما موفقیت در صادرات مشروط بر این است که سیاستهای صادراتی ما، همبای سیاست‌های صادراتی جهان باشد و در این راه دولت و سازمان‌های دولتی می‌توانند ما را آموزش دهند و از فوت و فن صادرات و رقابت با رقیبان آگاه سازند. چون هر چیزی به تخصص نیاز دارد و اینجاست که دولت می‌تواند نقش خود را برای افزایش صادرات ایفا کند. در صادرات راهنمایی و ارشاد کند، نظارت کند، ولی دخالت هرگز!

صادرکننده، واردکننده نیست

بخش سوم:

نظریات اقتصاددانان

اقتصاددانان کشور در برخورد با سیاست‌های جدید ارزی و پولی، مقررات صادرات و واردات و دیگر زمینه‌های اقتصادی عقاید و نظریات متفاوتی دارند.

این عقاید و نظریات را جویا شدیم. دکتر رئیس‌دانا اقتصاددان برجسته نظریات خود را در این زمینه‌ها به صورت مقاله‌ای نوشته که مستقلاً و در پایان این بخش چاپ شده است. دکتر انور خامه‌ای نیز نظریات جامع و فراگیری در زمینه شرایط اقتصادی جاری و از جمله سیاست‌های بهینه ارزی، صادراتی و

وارداتی ارائه کرده که آن هم مستقلاً چاپ شده است. ذیلاً هم نظریه‌های دو کارشناس اقتصادی در ادامه گزارش اصلی این شماره آمده است.

آقای دکتر علی‌محمد بنکدارپور گفته است: ظاهراً هدف از اجرای تصمیمات اخیر کمیته تنظیم بازار ارز ایجاد محدودیت برای واردات بیرویه کالا بود که ظاهراً به این هدف هم رسیده‌اند.

اما مسأله‌ای که در این مقررات جلب توجه می‌کند موضوع سپردن پیمان ارزی است. می‌دانیم که در سال گذشته سپردن پیمان ارزی را لغو کردند و حالا نتیجه آن تصمیم ظاهر شده است، زیرا چون پیمان ارزی وجود نداشته ارز حاصل از صادرات در بازار دست به

دست می‌گردد و شاید هم بخشی از آن به مصرف واردات قاچاق می‌رسد. همین حالا هم بسیاری از این کالاهای قاچاق از دوی به کشورمان سرازیر است و چون باید برای خرید آنها ارز پرداخت شود الزاماً از همین ارزهای صادراتی استفاده می‌شود.

باتک مرکزی تلاش می‌کند تا این ارزهای صادراتی به سیستم بانکی وارد شود و به مصرف واردات مواد اولیه و لوازم یدکی و نظایر آن برسد ولی هنوز نتوانسته‌اند مکانیزمی کارساز ایجاد کنند تا صادرکننده اجباراً ارز صادراتی را به سیستم بانکی بسپارد یا آنکه خود برای واردات کالاهای اجناس اساسی یا سرمایه‌ای بهره بگیرد.

در مورد تأثیر این مقررات بر

صادرات معتقد که تدوین و تنظیم این مقررات برای صادرکننده مسأله‌ای به وجود نمی‌آورد. چون صادرکننده می‌تواند ارز را در خارج از مرزها نگاه‌داری کند و گاهی هم گرانتر از بازار تهران بفروشد.

هدف از اتخاذ این سیاستها شاید بسیج صادرات غیرنفتی بوده است، اما می‌گویند بخشی از فرش‌های صادراتی ما، به دلیل نوسانات ناهنگام و کاهش بهای دلار در اروپا برگشت خورده است.

برای افزایش صادرات غیرنفتی اگر شیوه‌های دیگری به کار گرفته شود ممکن است که اثرات بهتری داشته باشد. چون بعد از فرش بزرگترین رقم صادرات غیرنفتی ما را محصولات

واردات و صادرات با دلالی و واسطه‌گری

کشاورزی تشکیل می‌دهد. تولیدات کشاورزی هم عمر معینی دارند و لذا اگر یک محصول کشاورزی در فاصله‌ای مشخص و معین صادر نشود، فاسد و خراب و غیر قابل عرضه خواهد شد، در حالی که همیشه می‌بینیم در فصل صادرات تولیدات کشاورزی نرخ میوه و خشکبار و نظایر آن در داخل کشورمان گماهی چشمگیر پیدا می‌کند و خریداران ظاهراً با اکراه به خرید آنها رو می‌روند، اما به محض گذر از این دوره، بهای آنها سرسام آور بالا می‌رود، اینجا است که صادرات تولیدات کشاورزی هم برای کشاورزان عمده زیاد مقرون به صرفه نیست. پس باید برای افزایش صادرات غیرنفتی بویژه در زمینه تولیدات کشاورزی از شیوه‌های جدیدی استفاده کنیم.

اما در کل باید گفت که تصمیمات اخیر کمیته تنظیم بازار ارز و ایجاد محدودیت برای واردات به سود جامعه خواهد بود. چون بخش عمده و بسیار چشمگیر ارز حاصل از صادرات صرف واردات کالاهای غیر ضروری مثل بن بن و شکلات و آدامس یا اتومبیل‌ها سواری می‌شود، کما این که هم اکنون هزاران اتومبیل سواری در مناطق آزاد یا در آن سوی آبهای خلیج فارس، حتی در برخی از انبارهای بزرگ داخلی کشورمان دپو شده‌اند و همین روزهاست که تدریجاً وارد بازار فروش خواهد شد.

در هر حال اگر این مقررات اعلام و اجرا نمی‌شد دلار به بالای ۳۰۰۰ ریال رسیده بود و همین مقررات است که نرخ ارز را کاهش داده و تا مدتی هم این کاهش نرخ ارز دوام خواهد داشت ولی بعد هم خدا می‌داند.

به نظر من اجرای سیاست درهای باز دستکم در شرایط فعلی، اشتباه بوده است، چرا که در نتیجه اتخاذ این سیاست، برای خرید لوازم و کالاهای مصرفی و لوکس مثل یخچال و فریزر و

ویدئو و سنگ و کاشی‌های گرانقیمت و لوازم آرایشی و نظایر آنها بدهکار شده‌ایم. بدهکاریهایی که رقم آنرا نمی‌توانیم به درستی تعیین و اعلام کنیم. سیاست درهای باز باید با سیاست‌های واردات و صادرات هماهنگی و همخوانی داشته باشد. ما بعد از انقلاب با یک جنگ هشت سال و حصر اقتصادی ناشی از آن و کمبود نقدینگی برای واردات کالاهای سرمایه‌ای و اساسی رو به رو بودیم و متأسفانه به موازات آن هم بسیاری از شهرها و روستاهای ما خراب و نابود شدند. لذا در شرایطی که بازسازی شهرها در اولویت قرار داشت اتخاذ سیاست درهای باز یک اشتباه بود.

از سوی دیگر باید به این نکته توجه کنیم که از سیاست خصوصی سازی هم استقبال نشده است. چون مدیریت کارخانجات و مؤسسات صنعتی و سازنده را، در برخی از موارد به مأموران و کارمندانی سپرده بودند که هیچ اطلاعی از صنعت و مجموعه زیر دستی خود نداشتند و در نتیجه کارخانجات را متضرر و ورشکسته کردند. مثلاً همین حالا بعضی از کارخانجات برزنت‌سازی ایران، مدت‌هاست که متوقف و تعطیل شده‌اند در صورتی که قیمت برزنت متری ۵۰ تومان را در ۴-۵ سال اخیر به یک هزار و صد تومان رسانده‌اند، حالا کدام مدیر صنعت یا بازرگان می‌تواند این کارخانجات را بخرد و راه‌اندازی کند.

این مقررات و این سیاست‌ها ممکن است در کوتاه مدت اثری منفی ارائه کنند. اما جامعه و به موازات آن، واردکننده و صادرکننده الزاماً و اجباراً خود را با جو تازه اقتصادی کشورمان و با قوانین و مقررات وفق خواهد داد و در دراز مدت به سود ما خواهد بود. مشروط بر آنکه هر روز و هر لحظه شاهد تدوین و تنظیم مقررات تازه‌ای که مقررات قبلی را بکلی نسخ می‌کند، نباشیم.

اثرات کوتاه مدت

پرویز بیات کارشناس مدیریت و صنایع نیز گفته است: اساسی‌ترین و عمده‌ترین وظیفه کمیته تنظیم بازار ارز طبقه‌بندی و تنظیم ارز و به دست آوردن آمار و ارقام آنست، اما در روزهایی که با

محدودیت‌های فراوان ارزی درگیر هستیم، نمی‌توانیم بگوئیم که امروز ارز موجود را به واردات کالاهای سرمایه‌ای و قطعات یدکی اختصاص می‌دهیم و خرید کالای اساسی و مورد نیاز جامعه را به بعد موکول می‌کنیم. اگر چنین کنیم، مسلماً دچار اشتباه در سیاست‌گذاریهای اقتصادی شده‌ایم.

همین دو سه ماه قبل بود که با بوق و کرنا اعلام کردند هر کسی به هر مقدار ارز نیاز داشته باشد می‌تواند از شعبات بانکها دریافت کند. در نتیجه همه مهاجران ناخوانده روستاها، کارگران بیکار، یا بیکاره‌هایی که به تن‌پروزی عادت کرده‌اند، حتی پیرزنان روستایی هم از ساعت ۵ صبح در مقابل بانکها صف می‌کشیدند تا سهمیه ۵۰۰۰ دلاری را دریافت کنند. آیا برنامه‌ریزان اقتصادی نمی‌دانستند که اجرای این برنامه دیر یا زود با مشکل روبرو خواهد شد؟ آیا نمی‌دانستند که در بازارهای بلبشوی اشتغال همه بیکاره‌ها خرید و فروش ارز را نوعی شغل تازه و پردرآمد تلقی خواهند کرد و به آن روی خواهند آورد؟

بنابراین اگر دولت همچنان دورنگر و دور اندیش نباشد، و اگر به اطلاعات و ارقام و نقاط ضعف و قوت آنها وقوف نداشته باشد، از کمیته تنظیم ارز هم کاری ساخته نیست و احتمالاً به زودی شاهد



تعطیل آن خواهیم شد. چرا که این برنامه‌ریزی‌های عجولانه و شتابزده چاره کار نیست. باید در نظر داشته باشیم روزهایی را پشت سر می‌گذاریم که «نظم نوین جهانی» کم کم به شکل پیمان «گات» ظهور می‌کند. «گات» به روشنی وضع اقتصادی و

تجاری سراسر جهان را از نظر تولید مواد اولیه سهمیه‌بندی در عرضه و فروش یا به عبارت دیگر میزان صادرات آنها و متقابلاً میزان واردات و نیز طرز ورود به بازارهای جهانی را مشخص و معین کرده است و براساس این مقررات بعد از این فقط کشورهایی می‌توانند وارد بازارهای صادراتی جهان شوند که دقیقاً نظم موسوم به $A - S - 2 - 9000$ و پیامدهایش را قبول کنند.

بنابراین وقتی که مسائل واردات و صادرات در این نظام سامان گرفت کمیته ارز هم تأثیر خود را از دست خواهد داد. چون این واردکنندگان و صادرکنندگان هستند که خود ناخواسته مسئولیت تنظیم و توزیع ارز را به عهده خواهند گرفت. این صادرکنندگان هستند که ارز را به دست خواهند آورد و واردکنندگان بر مبنای نیازهای داخلی و با توجه به مقررات گات وارد خواهند کرد. در این صورت دولت فقط تنظیم کننده حسابها، بده بستانها، جمع آوری و اعلام آمار و ارقام صادرات و واردات، جهت دهنده صادرات، تشویق کننده تولید و حل مسائل جانبی آن، کنترل کننده کیفیت و در نهایت، همکار و ارشاد کننده بخش خصوصی برای ورود به بازارهای جهانی خواهد شد.

اما دربار این که تأثیر این سیاستها بر اقتصاد کشور چه خواهد بود باید بگویم در کوتاه مدت دچار سردرگمی خواهیم شد و در دراز مدت با توقف و تعطیلی واحدهای صنعتی و تولیدی و احتمالاً کاهش تجار وارد کننده و صادرکننده به سرمایه‌گذارهای دیگری مثل سرمایه‌گذاری در زمین و ساختمان یا کارهای دلالی و واسطه‌گری مواجه می‌شویم، کارهایی که نه دولت می‌تواند بر آنها کنترل داشته باشد و نه می‌تواند مالیاتها و عوارض و سایر موارد مشابه را وصول کند. پس بهترین سیاستهای اقتصادی و صنعتی، برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاستهای پویا، کارساز و بلند مدتی است که نتایج آن از هم اکنون تا حدودی قابل ارزیابی باشد.

